

بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند.
کارگران در این میان چیزی جز زنجیرهای خود را از دست نیندازند،
ولی جهانی را بدست خواهد آورد.
کارگران جهان متحد شوید!

به مناسبت

سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

مصاحبه با حمید تقوایی، رحمان حسین زاده و بهرام مدرسی

توضیح: متأسفانه کورش مدرسی، آذر ماجدی و اصغر کریمی بدلیل کاری و کسالت نتوانستند در مصاحبه ما شرکت کنند.

انقلاب کارگری: در سالگرد تشکیل حزب هستیم، یکی از بحثهای مهم منصور حکمت در حزب بحث حزب و قدرت سیاسی بود. با توجه به وضعیت جامعه و نقش برجسته و در خیان جنبش سرنگونی طلبی مردم، رابطه حزب و انقلاب آتی را چگونه توضیح میدهم.

حمید تقوایی: حزب ما تا همینجا نقش برجسته ای در رادیکالیزه کردن و په پیش بردن مبارزات سرنگونی طلبانه مردم داشته است. جریانات و نیروهای سیاسی ای که اساس فعالیتشان حفظ جمهوری اسلامی بود مثل طیف نیروهای دو خرداد در درون و بیرون حاکمیت از همان آغاز کار با افشاگریهای حزب ما روبرو شدند و امروز میبینیم که ماهیت آنها بر همه روشن شده و کاملاً ورشکسته شده اند. به همین ترتیب پروژه های اپوزیسیون راست برای سازش و بند



وبست از بالا و بقدرت رسیدن با اتکا سیاست خارجی آمریکا و غرب نیز همیشه زیر فشار افشاگریهای سیاسی حزب ما قرار داشته و امروز تا حد زیادی در نزد مردم بی اعتبار شده است. از سوی دیگر

شعارها و خواستها و اهدافی نظیر سکولاریسم و جدائی مذهب از دولت، آزادی و برابری، آزادی های بیقید و شرط لغو مجازات اعدام لغو آپارتاید جنسی و غیره که امروز به شعارهایی مطرح و فراگیر در جامعه تبدیل شده از مبانی برنامه حزب و جریان ماست و بیش از دو دهه است که برای تحقق آنها مبارزه میکنیم. به اینها باید کمپین جهانی و مقابله حزب ما با هیاهوی دموکراسی بازار آزاد و سلطه افکار و ایده ها و احزاب مافوق ارتجاعی در دنیای پس از

جنگ سرد را نیز افزود. این جنبه جهانی مبارزه ما که مشخصاً در تحلیل و مواضع انسانی و رادیکال و منحصر بفرد - باید گفت متأسفانه منحصر بفرد - حزب در قبال تز نظم نوین جهانی، تروریسم اسلامی و تروریسم دولتی غرب، جنگ خلیج، واقعه ۱۱ سپتامبر، جنگ افغانستان، حمله اخیر آمریکا و متحدینش به عراق و غیره خود را نشان میدهد، آرمانهای بشری را نه تنها در ایران بلکه در سطح جهانی نمایندگی کرده است و اجازه

صفحه ۴

به سازمانهای کارگری در سراسر دنیا

صفحه ۲

سازمان دادن اعتصابی

که رژیم شاه را فلج کرد

صفحه ۵

راه نجات بشریت

یک انقلاب اکتبر دیگر است

صفحه ۶

مبانی کمونیسم کارگری
سمینار اول کمونیسم کارگری

منصور حکمت

صفحه ۸

کارگران پتروشیمی

در راس و پیشتاز مبارزه علیه بیکارسازیها

مصاحبه با شهلا دانشفر



انقلاب کارگری: همانطور که میدانید بعد از چند هفته مبارزه کارگران پتروشیمی، مسئولین همچنان به سردآندن کارگران ادامه میدهند و جواب مشخصی به خواستهای آنها نداده اند. کارگران در مقابله با این مساله تهدید کردند که هفته

آینده اعتصاب غذای سه روزه ای را آغاز خواهند کرد. سوال من این است که آیا اعتصاب غذا حرکتی درست و موثر در ادامه مبارزه کارگران است؟
شهلا دانشفر: قبل از اینکه مسمتقما به سوال شما پاسخ دهم این را بگویم که کارگران مجتمع های پتروشیمی تهدید به اعتصاب غذا نکرده اند بلکه تنها از سوی بخشی از کارگران پتروشیمی اراک این تهدید صورت گرفته است. آنچه که ما امروز در حرکات اعتراضی کارگران پتروشیمی شاهدیم، پافشاری آنها برخواستهایشان، اولتیماتوم

دادن و اعتراض است و گسترش دامنه این اعتراضات و کشیده شدن آن به بخش های دیگر نفت به کارگران بازنشسته در پالایشگاه آبادان، شرکتهای گاز ملی، کارگران بخش اکتشاف است که همگی با مساله بیکارسازیها دست بگریبانند. در دوم آذر ماه بود که نمایندگان کارگران پتروشیمی اراک، اصفهان، خارك و آبادان با هم به مجلس اسلامی رفتند و با تاکید بر خواستهای خود اعلام کردند که در صورتی که به خواستهایشان پاسخ مثبت و روشنی نگیرند دست به اعتصابی متحدانه خواهند زد.

صفحه ۲

زنده باد جمهوری سوسیالیستی / نابود باد جمهوری اسلامی

سردبیر

دو رویداد در یک جنبش



امیر توکلی

فردا سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری است. دوازده سال پیش در میان هیاهوهای کرکننده و مشمژ دولتهای سرمایه داری و رسانه های چاکرمنشان که شبانه روز مرگ کمونیسم را تبلیغ میکردند، منصور حکمت بلند شد و گفت: «اینها نعره های جنگی بورژوازی است و هر چه گوش خراشتر باشد بیشتر بر زنده بودن کمونیسم بعنوان یک افق بالقوه تهدید کننده کارگری در جامعه بورژوایی دلالت میکند» او حزیش را ساخت تا این تهدید کارگری را عملی کند. او حزیش را ساخت تا این تهدید کارگری را متشکل کند و به مصاف نظام بردگی مزدی برود. امروز بعد از دوازده سال وقتی به این حزب نگاه میکنیم و قضاوتش میکنیم در این مسیر می بینیم. حزبی رادیکال، قوی، تیز بین با فعالینی بیشمار و موثر در سرنوشت امروز و همین لحظه نسلمان. اما این کافی نیست، قابل برگشت و قابل کنترل از جانب بورژوازی است. فلسفه وجودی این حزب و آینده اش به این گره خورده است که چگونه مبارزات کارگران و مردم تحت ستم نظام جمهوری اسلامی را به سرانجام میرساند. چگونه به رهبر سرشناس جامعه تبدیل میشود و چگونه بردگان مزدی را برای ارباب جامعه شدن، هدایت میکند. اما دومین رویداد به میدان

به سازمانهای کارگری در سراسر دنیا

کارگران صنعت نفت ایران باز هم به میدان آمده اند از آنها پشتیبانی کنید



کارگران بخش پتروشیمی صنعت نفت در شهرهای خارک، اراک، اصفهان و آبادان در اعتصاب و اعتراض بسر میبرند. جمهوری اسلامی با سیاست خصوصی سازی این صنایع قراردادهای استخدامی کارگران با صنعت نفت را لغو کرده و امنیت شغلی آنها را از بین برده است. بیکارسازی وسیعی در این بخش صنعت براه افتاده است و کارگران در اعتراض به این سیاست مبارزه پیگیری را از چهار هفته قبل شروع کرده اند. رژیم اسلامی سیاست وقت خریدن، تفرقه انداختن و تهدید کارگران را در پیش گرفته است. کارگران بارها در طی هفته های اخیر اعتصاب و تحصن کرده اند، روز ۲۳ نوامبر نمایندگان این چهار مجتمع پتروشیمی به مجلس اسلامی رفته و خطاب به نمایندگان مجلس و وزیر نفت اعلام کردند که اگر به خواست آنها فوراً رسیدگی نشود و رژیم عقب نشینی نکند دست به اعتصاب دسته جمعی خواهند زد. و روز ۲۵ نوامبر بخشی از کارگران اعلام کردند که در هفته آینده قصد اعتصاب غذا دارند.

آخرین اعتصابات قدرتمند کارگران نفت ایران در دسامبر ۹۶ و فوریه ۹۷ را خیلی از شما بیاد دارید. این اعتصابات با حمایت وسیع و جهانی صدها اتحادیه کارگری در سراسر دنیا مواجه شد. از ث

مطالبات آنها حمایت کنید: تضمین امنیت شغلی کارگران پتروشیمی و محکومیت جمهوری اسلامی و مدیریت پتروشیمی در اخراج و بازخرید اجباری آنها، بیمه بیکاری مکفی برای همه کارگران،

برسمیت شناختن حق تشکل و حق اعتصاب بدون قید و شرط برای همه کارگران به هر شکل که میتوانید از کارگران صنعت نفت پشتیبانی کنید. پیروزی کارگران پتروشیمی ها یک پیروزی بزرگ برای همه کارگران ایران است و مبارزه جوی و اعتماد بنفس و امید به تغییر اوضاع را در میان آنها و در میان کل مردم تشنه آزادی در ایران بلافاصله ارتقا میدهد و میتواند تعرض جمهوری اسلامی و کارفرمایان به سایر بخشهای کارگری را نیز سد کند. نامه های حمایتی خود را برای ما بفرستید تا به گوش کارگران برسانیم.

اصغر کریمی
از طرف حزب کمونیست
کارگری ایران
۲۵ نوامبر ۲۰۰۳

انقلاب کارگری

شنبه ها منتشر میشود

سردبیر: امیر توکلی

تلفن:

00 358 405 821 776

ایمیل:

tavakoli@hotmail.com



چطور جنبش کارگری فعلی میتواند از این موقعیت در بیاید و برود به یک جایی که معترض است، اعتصابی است و دخالت میکند؟ کلید این مساله بنظر من یکیش جنبش مجمع عمومی است.

ببینید، اتفاقا کارگر بطور تکی بشدت منزوی و ضعیف است. قدرت کارگر در تجمعش

است، در تصمیم جمعی اش است، در خاصیت طبقاتی اش است. قدرت دانشگاه لزوما به تصمیم جمعی اش نیست. ولی قدرت طبقه کارگر در تجمع و اتحادش است و مجمع عمومی آن ظرفیت است که بدون اینکه ساختنش پیچیدگی عجیبی بخواهد، بدون اینکه لازم باشد دکنترای سازماندهی کارگری بگیری، میتوانی همه را در صحن کارخانه جمع کنی و بگی این مجمع عمومی کارخانه است و هر چه کارگران بگویند حرف آخر ماست.

(سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم حزب تحت عنوان مبارزه سیاسی و اقتصادی طبقه کارگر)

جلب همبستگی وسیع کارگران در دیگر بخشهای صنعت نفت و هزاران هزار کارگری که با بیکارسازیها دست بگریبانند و جلب حمایت وسیع مردم برخوردار است. باید این موقعیت مهم را به رسمیت شناخت. وظیفه کارگران کمونیست و رهبران کارگری تشخیص این شرایط و دادن افق روشنی از مبارزات به کارگران است. با برپایی مجامع عمومی کارگری میتوان همه این مسائل را در میان کارگران به بحث گذاشت. در میان آنها افق واحد و روشنی از مبارزه ایجاد کرد. قدمهای بعدی حرکت را روشن کرد و در برابر تفرقه و بوجود آمدن شکاف در میان کارگران ایستاد و همواره روحیه امید و پیروزی را در دل آنها بوجود آورد. مجامع عمومی منظم کارگری امروز نقش کلیدی ای در متحد کردن و جلب وسیعترین حمایت و پشتیبانی از اعتراضات کارگری دارد. باید در بوجود آوردن این اتحاد و همبستگی تلاش کرد

مسئول تحمیل کنند. شدت اعتراض آنان به حدی بود که در همان ابتدا معاون رئیس کل پتروشیمی اعلام کرد که هیچ کارگری منتقل نمیشود و بعد نیز پس از حرکت اعتراضی بیش از هزار نفر از کارگران پتروشیمی اراک گفتند که وزیر نفت زنگنه با دادن فرصتی ۴ ماهه به کارگران برای اینکه خود را به شرکتهای دولتی پتروشیمی منتقل کند موافقت کرده است و بدین ترتیب وعده وعیدها آغاز گردید. در این یکماهه نیز ما شاهد حرکت متحد و همزمان مجتمع های پتروشیمی بودیم. امروز کارگران پتروشیمی در چنین موقعیتی قرار دارند. توازن قوای سیاسی جامعه نیز بیش از هر وقت به نفع مبارزات کارگران و توده های مردم قرار دارد. بنابراین واضح است که در چنین شرایطی و در برابر چنین اتحاد و همبستگی ای دست زدن به اعتصاب غذا گامی به عقب خواهد بود.

نکته توجه اینست که اعتراضات کارگران پتروشیمی در اوضاع سیاسی امروز جایگاه مهم و قابل توجهی پیدا کرده است. از پتانسیل بالایی برای

آن در اذهان جامعه ما زنده است. هنوز فریاد کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما در خاطره ها زنده است و در دلها نور امید میدمد. به نظر من موثرترین شکل اعتراض برای کارگران پتروشیمی ادامه اعتراضات کنونی، شدت دادن به آن و جلب همبستگی بخش های دیگر کارگران نفت و دیگر کارگران است. تصور کنید اگر یكروز لوله های نفت از کار متوقف شود چه بر سر این رژیم و اقتصاد ورشکسته آن خواهد آمد.

کارگران پتروشیمی تا همینجا با اعتراضات خود رژیم را در مخصه ای سخت قرار داده و فشار جدی ای بر آن وارد کرده اند. این اعتراضات انعکاس وسیعی در میان کارگران نفت و دیگر بخش ها داشته است. دامنه آن به بخش های دیگر نفت که مشمول خصوصی سازیهای رژیم شده اند کشیده شده است. و میتوان گفت امروز کارگران پتروشیمی در راس و پیشتاز مبارزه علیه بیکارسازیهای رژیم قرار گرفته اند. کارگران پتروشیمی تا هم اکنون توانسته اند عقب نشینی هایی را به دولت و مقامات

ادامه کارگران پتروشیمی

این حرکت نشان دهنده هماهنگی اعتراض در این مجتمع ها و گستردهگی این حرکت است. طبعاً برای من موقعیت کارگران پتروشیمی اراک که تهدید به اعتصاب میکنند قابل فهم است.

بیش از یکماه است که اعتراض در مجتمع های پتروشیمی همچنان ادامه دارد و هنگامیکه با بی تفاوتی مسئولین شرکت مواجه میشوند کارگران ناگزیر به تهدید به اعتصاب غذا میشوند. اتفاقاً برای اینکه کارگر پتروشیمی اراک خود را تنها نبیند و ناگزیر به اتخاذ این شیوه از مبارزه نشود باید به حمایت وسیع و گسترده از مبارزات آنها شتافت. اگر کارگران نفت در بخش های مختلف به هر شکلی که ممکن است از دادن قطعنامه های حمایتی تا شرکت در تجمع های اعتراضی کارگران پشتیبانی کنند، بطور قطع کارگران پتروشیمی خود را در موقعیت قویتری احساس کرده و به اشکال موثرتری از اعتراض دست خواهند زد.

اعتصاب غذا اساساً شکل مناسبی برای اعتراض نیست. نمیتواند توده وسیع کارگر را در میدان مبارزه نگاهدارد. نمیتواند بسیج کننده باشد. شکلی

برای حمایت و همبستگی کارگران در دیگر بخشهای کارگری را بدست نمیدهد و در نهایت مبارزه کارگران را به درون کارخانه محدود میکند. در صف متحد کارگران شکاف ایجاد میکند و نتیجه آن نیز فرسوده شدن نیروی کارگران و غالب گردیدن روحیه یاس بر مبارزات آنها خواهد بود. واقعیت اینست که از درون هر مبارزه ای کارگر باید متحدتر قویتر و شادابتر بیرون بیاید. در حالیکه اعتصاب غذا مستقیماً به جسم کارگر صدمه وارد میکند، انرژی و توانی حتی برای چاره جویی و برداشتن گامهای بعدی حرکت برای آن باقی نمیگذارد و رهبران کارگران به جای اینکه بتوانند

یک دنیای بهتر
را بخوانید!

زنده باد جنبش مجمع عمومی!

صندوق همبستگی مالی با کارگران اعتصابی در ایران!

www.kargaran.org

سایت کارگران طبق اطلاعیه ای در ۵ ژوئن ۲۰۰۳ خبر از تشکیل صندوق حمایت مالی در دفاع از کارگران چیت به شهر داد. اکنون با شدت گرفتن جنبش سرنگونی مردم در ایران و شدت گرفتن جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران این صندوق را به صندوق حمایت از کارگران اعتصابی در ایران اختصاص دادیم. با کمک به این صندوق به استقبال و حمایت از اعتصابات کارگران در ایران برویم.

واقعیت اینست که همیشه در شرایطی که کارگران دست به اعتصاب میزنند. بویژه اعتصابات طولانی مدت یکی از مسائلی که همواره بر دوش کارگران و تداوم و تحکیم مبارزه شان فشار میآورد مساله مالی است. بویژه در شرایطی که سطح دستمزد کارگران آنقدر نازل است که حتی کفاف اولیه ترین مایحتاج آنها را نمیکند، در شرایطی که در بخشهای وسیعی از مراکز کارگری کارگران ماهیاست که دستمزدی دریافت نکرده اند، این فشار شکل حادث و جدی تری بخود میگیرد. صندوق همبستگی مالی با کارگران یکی از سنت های جافتاده در مبارزات کارگری و ظرفی برای ایجاد همبستگی و تقویت اتحاد در میان کارگران است. صندوق همبستگی مالی در حمایت از کارگران اعتصابی میکوشد که به این نیاز پاسخ دهد. به صندوق همبستگی مالی در دفاع از کارگران اعتصابی کمک کنید.

کمک های خود را به این شماره واریز کنید:

اسم بانک:

Name of the bank: Lloyds Bank

شماره حساب:

Account nr: ۰۰ ۴۴ ۲۶ ۱۵

Sort code: ۳۰ ۹۹ ۸۶

Name: A-J نام دارنده حساب:

سایت کارگران

شهلا دانشفر

۲ ژوئیه ۲۰۰۳

سایت کارگران از سایت کارگران دیدن کنید

سایت کارگران منعکس کننده اخبار اعتراضات و مبارزات کارگران و بررسی مسائل گرهی جنبش کارگری است. با ارسال گزارش و خبر و مقالات و عکس در زمینه مسائل جنبش کارگری در ایران و جهان با این سایت همکاری کنید.

سردبیر: شهلا دانشفر

آدرس سایت: www.kargaran.org

آدرس ای میل: shahla_daneshfar@yahoo.com

گسترده ای به خود گرفته است. شبکه مبارزین کمونیست سمپات کمونیسم کارگری الهام بخش بسیاری از فعل و انفعالات سیاسی و تحرک مبارزاتی در آن جامعاند. تحرک اعتراضی هر ساله کارگران در روز کارگر (اول مه)، تحرک زنان در ۸ مارس، اعتراض و جشن و شادی جوانان در مناسبت سال نو، مراسمهایی چون فستیوال آدم برفیها و همایش علیه خشونت بر ضد کودکان و زنان و بسیاری تحرک کارگری و توده ای در آن جامعه مهر آزادیخواهی جنبش ما و کمونیسم کارگری را بر خود دارد. کفایت به بیانیها و قطعنامه های آزادیخواهانهای که در آن جامعه و در مناسبتهای مختلف منتشر میشود، توجه کنید، تا صحت این ادعای من بیشتر روشن شود. در همین ۲-۳ سال اخیر گرامیداشت برجسته یاد منصور حکمت و سالگرد حزب نمونه های گویای دیگری از موقعیت محکم حزب در میان مردم کردستان است. و تازه همه اینها هنوز به قول منصور حکمت "توک کوه یخ عظیمی است که حجم و ابعاد آن در دل شهرها و در میان طبقه کارگر و مردم نهفته است". آزمون دور نیست که با کنار زدن بیشتر اختناق جمهوری اسلامی و نهایتا سرنگونی آن ابعاد عظیم اجتماعی کمونیسم کارگری و نقش تحول بخش افکار و سیاست و حزب منصور حکمت در این جامعه خود را نشان دهد.

انقلاب کارگری: از صفحه

نامه های نشریه جوانان کمونیست میشود فهمید که تا چه اندازه حزب کمونیست کارگری در بین جوانان با استقبال روبرو شده است. برنامه شما در برخورد به این موجی که با حزب آشنا میشوند و میخواهند فعالانه در جهت اهدافش فعالیت کنند، چیست؟ لطفا در کلیات توضیح دهید.

بهرام مدرسی: واقعیت همین است که به آن اشاره کردید. کارگران، زنان، جوانان ابعاد

صفحه ۲

به مناسبت

سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری



چپ گرایی و رادیکالیسم در کردستان اساسا با انقلاب ۵۷ پا به عرصه جامعه گذاشت و خوشبختانه به نیروی اجتماعی تبدیل شد. این چپ گرایی رادیکال مثل کل چپ پوپولیست ایران در مقطع ۵۷ با مارکسیسم فاصله جدی داشت. تحول رادیکال کارگری و توده ای در بطن جامعه کردستان نیاز این چپ و سازمان مربوطه اش که آنوقت کومفله بود به مارکسیسم و افق و سیاست مارکسیستی را تشدید کرده بود. مارکسیسم انقلابی و کمونیسم منصور حکمت افق دهنده و جواب نیاز این چپ بود. از آن زمان (سال ۱۳۶۰) کمونیسم منصور حکمت الهام بخش تحرک کمونیستی و کارگری و اجتماعی در جامعه کردستان شد. تاریخ پر فراز و نشیبی از مبارزه فکری و سیاسی و اجتماعی و نظامی و سازمانی در این سالها طی شده تا به اینجا رسیدیم، که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست. ما حاصل این روند شکل گیری کمونیسم کارگری دخیل، اجتماعی و قدرتمند، با صف وسیعی از خوشنام ترین و باتجربه ترین رهبران، شخصیتها، فعالین و اعضای کمونیسم کارگری از هر شهر و گوشه و برزن آن جامعه است. با تشکیل حزب کمونیست کارگری در دوازده سال قبل این نیروی سیاسی و اجتماعی، تداوم مبارزه کمونیستی را به این حزب تحت رهبری منصور حکمت گره زد. فعالیتهای دوازده سال اخیر سر راست و بیوقفه در شهرها در محیط کار و محلات در میان کارگران، زنان، جوانان ابعاد

ادامه

نداده است پرچم تمدن و انسانیت زیر تلنباری از تبلیغات هیستریک ارتجاعی مدفون شود. این ابعاد مختلف مبارزه حزب امروز تاثیراتش را در انقلابی که در ایران در حال شکل گیری است به نمایش میگذارد. نفس وجود حزب کمونیست کارگری بعنوان یک نیروی اصلی در صحنه سیاست ایران خود از یکسو نشاندهنده ثقل طبقه کارگر و نفوذ آرمان و آلترناتیو سوسیالیستی او در کل جامعه است و از سوی دیگر تضمین کننده پیشروی و پیروزی جنبش عظیم سرنگونی طلبانه ایست که کارگران و عموم مردمی که وضع موجود را نمیخواهند، زنان و جوانانی که بهمراه و در کنار طبقه کارگر خواهان یک زندگی آزاد و برابر و مرفه و شاد هستند، نیروی محرکه آنرا تشکیل میدهند. این دیگر انقلاب ۵۷ نیست، میشور و پرچمدار این انقلاب حزب کمونیسم کارگری است و این حزب آماده است و از تمام شرایط و خصوصیات لازم برخوردارست تا رهبری این انقلاب را بدست بگیرد و آنرا به پیروزی نهایی برساند. **انقلاب کارگری:** شما دبیر تشکیلات کردستان حزب هستید، تا چه حد حزب در میان مردم در کردستان مطرح است؟ حزب چه نقشی در مبارزات جاری کارگران و مردم معترض دارد؟

رحمان حسین زاده: حزب کمونیست کارگری نیروی سیاسی و اجتماعی جدی در صحنه سیاسی جامعه کردستان است. کارکرد سیاسی و پراتیکی حزب این را به خوبی نشان میدهد. این واقعیت را نه تنها دوستان و علاقمندان و مردم با انصاف و حق طلب میگویند، مخالفان ما هم به آن اذعان دارند. این حقیقت صرفا حاصل کار یکساله و چند ساله نیست. بلکه مارکسیسم و کمونیسم منصور حکمت پیشینه های دیرپاتر در این جامعه دارد. در اینجا میتوان تنها اشاره کوتاهی به آن داشت.

سازمان دادن اعتصابی که رژیم شاه را فلج کرد

گزارش دست اول یکی از کارگران صنعت نفت

باید برای همکارانمان روشن می‌ساختیم که هدف نهایی مان چیست. برای خیلی‌ها این هنوز بخوبی مشخص نبود. باید مطالباتمان را مشخص می‌کردیم. هر کس چند تا مطالبه در نظر داشت. اما همه آنها باید خلاصه شده و در یک لیست به شرکت نفت عرضه می‌شد. در نتیجه کمیته اعتصاب بیشتر انرژی خود را صرف کردن مطالبات اعتصاب و معین تا اینکه انجمن مذکور را بنا نهاد. گفتیم که وقت کافی برای آن در آینده وجود خواهد داشت. نشستیم نقشه اعتصاب را کشیدیم و خط مشی آن را مشخص کردیم. کلی وقت به بحث حول یکسری سئوالات اختصاص دادیم. اما در نهایت منجر به یکسری تصمیم‌های درست گردید.

یکی از این سئوالات، که وقت زیادی را بخود اختصاص داد، این بود که آیا ما اعتصاب را به سراسر صنعت نفت بگسترانیم، یا اینکه یکسری بخش‌هایی مانند بیمارستان، قسمتی از شبکه ارتباطات تلفنی و تیم‌های اضطراری برای تعمیر لوله‌های نفت و غیره به کار خود ادامه دهند. مخصوصاً اینکه همیشه خطر انفجار لوله‌های نفت وجود دارد. که در چنین حوادثی آدم‌هایی که در اطراف این لوله‌ها هستند کشته خواهند شد. در نتیجه تصمیم گرفتیم که یک گروه را به تعمیر اضطراری اختصاص بدهیم که اگر حادثه‌ای پیش آمد و یا کسی عمداً خواست خرابکاری کند، با آن مقابله کنیم. بنابراین آخرین تصمیم جلسه‌مان این بود که تعدادی از کارگران برای مقابله با یک چنین وضعیتی سر کارشان بمانند.

ادامه در شماره بعد

بخش‌ها به اعتصاب ما پیوستند. البته پنج روز قبل از آن شنیده بودیم که پالایشگاه آبادان وارد اعتصاب شده است. اما خبری از صحت آن نداشتیم.

از همان ابتدا نیاز به سازمان دادن کمیته‌ای که سمت و سویی سیستماتیک به اعتصاب بدهد را احساس می‌کردیم. هدف از انتخاب یا قرار دادن یک کمیته، انتخاب رهبری نبود. خیلی‌ها احساس می‌کردند که اگر گروه مشخصی را برای رهبری تعیین کنیم، دولت آنها را دستگیر خواهد کرد که این ما را در یک موقعیت دشواری قرار می‌دهد. اما در همان زمان جریان‌ی پیش آمد که سازماندهی یک کمیته اعتصاب را ضروری به نظر می‌رساند. دولت به ما گفت که می‌توانیم انجمن کارمندان را تأسیس کنیم. در نتیجه تصمیم گرفتیم برای هر ۵۰ نفر یک نماینده انتخاب کنیم. اما اگر بخشی بیش از ۲۰۰ یا ۳۰۰ نفر هم کارگر داشت، باز هم نمی‌توانست بیش از ۳ یا ۴ نماینده داشته باشد. انتخاب نمایندگان علنی بود. هیچ‌گونه رای‌گیری مخفیانه‌ای در کار نبود. لیستی را به دیوار چسباندیم و هر کس امضایش را روی اسم کاندیدش می‌گذاشت. معمولاً هر بخشی ۵ یا ۶ کاندید داشت. اولین وظیفه نمایندگان سازماندهی انجمن متخصصین و کارگران دفتری بود. از آنرو ما به این تعداد، عنوان «کمیته سازمانده کارمندان صنعت نفت» را دادیم.

اما از همان اولین روزهای اعتصاب متوجه شدیم که با سئوالات مهمتری روبرو هستیم. خود اعتصاب باید سازماندهی می‌شد. باید اهدافمان را تعریف می‌کردیم.

گرایشات ناسیونالیستی نشان می‌دهد که در متن طرح خواسته‌های اقتصادی خود اهمیت هم سرنوشتی طبقاتی کارگران مستقل از محل تولد آنها و اتحاد همه کارگران را زیر سوال می‌برد. چنین به نظر می‌رسد که جغرافیای تولد یک انسان برای رهبران اعتصاب، جایگاه مهمتری از هم طبقه‌ای بودن را دارا بوده است. امروز خوشبختانه چنین گرایش‌ها در جنبش کارگری ایران نفوذی جدی ندارد.

امروز نیز، همچون انقلاب ۵۷، چشم‌ها به نقش کارگران نفت خیره تر شده است. کارگر نفت بار دیگر می‌تواند و لازم است برای سرنوشتی جمهوری اسلامی و رها شدن کارگران و کل مردم از شر حکومت اسلامی نقش زری و رو کننده خود را در انقلابی که در راه است ایفا کند. و اینبار قدرتمند تر از قبل و در شرایطی که کارگر، حزب کمونیست کارگری ایران، قدرتمند در صحنه سیاست ایران حضور دارد، به میدان بیاید.

ناصر اصغری - سپتامبر ۲۰۰۳

جنبش عظیمی که در سراسر کشور در حال پیشروی بود، ما را به این نتیجه رساند که ما هم به عنوان کارگران صنعت نفت، جزئی از این کشوریم و باید در این جنبش سهمیم باشیم. در نتیجه اعتصاب را شروع کردیم. از همان اول می‌دانستیم که اگر کار را بخوابانیم، اعتصابمان می‌تواند نقش عظیمی در این جنبش ایفا کند.

از آنرو روز ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر) قسمت‌های مختلف شروع به اعتصاب کردند. در عرض دو سه روز تقریباً تمامی

اساسی حکومت اسلامی است را صد چندان برای طبقه کارگر برجسته می‌کند.

اما این گزارش از جهاتی اشکالات عمده‌ای را نیز منعکس می‌کند. این اشکالات، تا به این گزارش برمیگردد، مربوط به افق حاکم بر ذهن بخشی از رهبران اعتصابی است. یا اینکه در نهایت حرکت کارگران نفت توانست رژیم شاه را سرنوشت کند، و در زمانی که بخش عظیمی از جامعه با شعار «کارگر نفت ما، رهبر سر سخت ما» انتظار رهبری انقلاب را از کارگران صنعت نفت داشت، برخی از رهبران اعتصاب انتظار حمایت آیت‌الله شریعتمداری و آیت‌الله خمینی را داشتند. بنابر یکسری گزارشات نمایندگان اعتصاب نفت برای جلب پشتیبانی، سراغ تعدادی از آخوندها از جمله شریعتمداری و گلپایگانی رفتند که آنها هیچ‌گونه اعتناتی به این درخواست نکردند. زمانی که شریعتمداری پیام حمایت و پشتیبانی به اعتصاب کارگران نفت فرستاد، سران رژیم شاه از جمله انصاری که در این گزارش به آن اشاره شده است، یکی پس از دیگری از ایران می‌گریختند.

این گزارش به یکی از مهمترین اقدامات سیاسی کارگران صنعت نفت در انقلاب ۵۷، یعنی بستن لوله‌های نفت بر رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی و اسرائیل، اشاره نمی‌کند، احتمالاً بدلیل اینست که گزارش قبل از آن نوشته شده است. اما یک ایراد جدی دیگر که در گزارش منعکس است. خواست اخراج کارگران خارجی بعنوان یکی از مطالبات دوازده گانه کارگران در آن دوره بوده است. این خواست بیش از هر چیز ناروشتی برخی از رهبران اعتصاب را تحت تاثیر

این مطلب قبلاً در نشریه کارگر کمونیست منتشر شده است. سردبیر



برگردان: ناصر اصغری

مقدمه مترجم
نوشته زیر در ژانویه ۱۹۷۹ در شماره ۳ مجله Intercontinental بچاپ رسید. این نوشته همراه چند مطلب دیگر در مجموعه‌ای تحت عنوان Oil and Class Struggle

در سال ۱۹۸۰ به چاپ رسید که مسائل مربوط به نفت را مورد بررسی قرار داده بودند. ظاهراً امضا نویسنده محفوظ مانده است.

هدف من از ترجمه این گزارش تأکید بر موقعیت حساس کارگر در اقتصاد و دخالت کارگران در سیاست و مسائل مختلف در جامعه است که در گزارش منعکس است. نکته مهم دیگر این گزارش اهمیت و نقش کلیدی مجامع عمومی کارگری است که در جریان اعتصاب مذکور امکان اعمال قدرت جمعی کارگران را به روشنی منعکس می‌کند. همچنین، یک خواست دیگر کارگران کلیدی‌ترین بخش اقتصاد ایران، رفع تبعیض از کارگران زن است، و خود این اهمیت خواست برابری زن و مرد در شرایط امروز ایران که زن ستیزی یکی از ارکان

کارگران جهان متحد شوید!

راه نجات بشریت یک انقلاب اکتبر دیگر است

سخنرانی محمود قزوینی عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
به مناسبت سالگرد انقلاب اکتبر در کپنهاک در تاریخ ۸ نوامبر ۲۰۰۳



مهمترین واقعه تاریخ سیاسی جهان انقلاب اکتبر بود. انقلاب اکتبر برای بشریت کارگر و زحمتکش و همه انسانهای ستم دیده نوید آزادی و رهائی بود. انقلاب اکتبر نشان داد که امید به رهائی از ستم و استثمار، امیدی که به اندازه عمر تاریخ تمدن بشری قدمت دارد، امکان تحقق دارد. انقلاب اکتبر امید عمیق و آرمان همیشگی انسانها به تغییر جهان و ایجاد یک دنیای بهتر را بیان کرد.

واقعه انقلاب اکتبر، توانمندی و پیروزمندی را در قلب زحمتکشان و انسانهای برابری طلب می پروراند و بورژوازی دولت حاکم آن را خوار و بی مقدار می کند. علیرغم اینکه نزدیک به یک قرن از واقعه انقلاب اکتبر می گذرد، انقلاب اکتبر الهام بخش میلیونها انسان در جهان برای تغییر و دگرگونی نظام سرمایه داری و دستیابی به یک زندگی انسانی و آزاد و برابر می باشد. فقر و گرسنگی و بی خانمانی و جهل و خرافه و ناسیونالیسم و مبین پرستی و مردسالاری و کودک آزاری و تعصبات جاهلانه مذهبی و قومی ناراحتند و می خواهند به آن پایان دهند، انقلاب اکتبر را یک الگو و یک الهام برای خود می بینند. اگر انقلاب اکتبر نبود،

قدر قدرتی دولت بورژوازی و اینکه جهان همین است که هست تثبیت می شد. بورژوازی جهان با تبلیغات و تلاش شبانه روزی سعی می کرد و سعی می کند تا چهره دیگری از انقلاب اکتبر و لنین به مردم جهان نشان دهد. اما همینکه الان ما یک عده از ایران در سالگرد انقلاب اکتبر اینجا جمع شده ایم، داریم می گوئیم که حرف شما و تبلیغات شما را قبول نداریم و علی رغم

بیش از ۸۰ سال تبلیغات وسیع بر علیه کمونیسم و انقلاب اکتبر، ما خواهان انقلاب اکتبر دیگری در جهان هستیم. اتفاقا نیاز به انقلاب اکتبر و کمونیسم اکتبری بیش از هر زمان دیگری لازم است. جنگ، ناامنی در جهان، فقر و گرسنگی، رشد جریانات فاشیستی اسلامی در خاورمیانه، پس گرفتن بسیاری از دستاوردهای که در کشورهای صنعتی در غرب تا چند سال پیش به عنوان دستاوردهای تثبیت شده به نظر می رسیدند، رشد راسیسم و جناحهای راست افراطی در غرب، همه و همه احتیاج به یک انقلاب اکتبر دیگری را عاجل می کند. راهی وجود ندارد! مسلما مردم

در جهان در مقابل دست درازی و فشارهای بورژوازی به سطح زندگی و حقوقشان مقاومت میکنند. این مقاومت امروز ضعیف است. مردم این را چندین بار تجربه کرده اند که با تلاش زیاد خواستی را کسب می کنند و پس از مدتی آن را از دست می دهند. آنها از این وضع خسته شده اند. اما مردم مجبورند به مقاومت جدی دست بزنند. این را سرمایه به آنها تحمیل کرده است. من فکر می کنم اگر اینبار مردم به مقاومت جدی در مقابل تعرض بورژوازی به رفاه و زندگیشان برخیزند، این مقاومت به یک تعرض برای دگرگونی کل نظام سرمایه داری تبدیل می شود. البته واقعا کمونیسم باید شرایط این دگرگونی را آماده سازد. نظم نوین جهانی آمریکا در جهان، بی نظمی و شریطی را ایجاد کرده است که راه برون رفت سریع از این وضعیت، راه انقلاب اکتبر است.

اتفاقا انقلاب اکتبر هم از دل چنین شرایطی بیرون آمد. بورژوازی جهانی برای مطامع خود جهان را وارد یک جنگی کرده بود که به نظر جنگی بی پایان می آمد. جنگ فقر و گرسنگی و ناامنی را تشدید کرده بود، انقلاب اکتبر در مقابل این وضعیت و بر علیه بنیادهایی که این وضعیت را به

وجود آورده بود، برخاست. یعنی بر علیه نظام سرمایه داری! بورژوازی تبلیغات زیادی بر علیه کمونیسم و انقلاب اکتبر می کند. از دولت‌های سرمایه داری غرب، از بوش و بلر تا خامنه ای و خاتمی و از برلسکونی در ایتالیا تا آل سعود، تا ژورنالیستهای احمق و محدودنگر، همه مشغول تلاش مشترک ضد کمونیستی هستند. هزاران کتاب، مقاله و فیلم بر علیه کمونیست و انقلاب اکتبر بیرون دادند تا مردم را در مقابل کمونیسم و انقلاب اکتبر واکنش کنند. اما گرایش به کمونیسم و گرایش به لنین و انقلاب اکتبر در دنیا بازتولید و بازتولید می شود. گرایش به آزادی و برابری در بطن جامعه سرمایه داری وجود دارد. انسانها می خواهند از فقر، بی مسکنی، نابرابری و ناسیونالیسم و مذهب و انواع و اقسام ستمهای نژادی و ملی و جنسی و مذهبی راحت شوند. این را بورژوازی نمی تواند سد کند. برای همین گرایش به کمونیسم و گرایش به یک انقلاب اکتبر دیگر هم سد شدنی نیست.

بورژوازی خیلی وارد است و با تمام نیرو سعی می کند مثلا مذهب و دستگاههای مذهبی خود را حفظ کند و اگر یکجا این دستگاه ارتجاعی و پوسیده عهد عتیق ضربه خورده باشد، سریع به مرمت و تعمیر آن می پردازد. ببینید چقدر نیرو صرف این می کنند که تفسیر دیگری از اسلام ارائه دهند. از بوش گرفته تا همین وزیر انتگراسیون دانمارک تا همه ژورنالیستها و محققان بورژوازی صحبت از این می کنند که تفسیر دیگری از اسلام وجود دارد و اسلام آن چیزی نیست که امروز در خاورمیانه و در دنیا فعال است. اما به

کمونیسم که می رسد، هیچ کدامان اشتباهها هم نمیگویند که مثلا ما فلان نوع کمونیسم را قبول داریم. و حداقل یک تفسیری از کمونیسم ارائه دهند که کمی به نفع خودشان باشد. بورژوازی نمایان بگوید مثلا

کمونیسم نوع حزب کمونیست فرانسه و یا ایتالیا و یا... تفسیر خوبی از کمونیسم است و قبولش داریم. میگویند کمونیسم یعنی دیکتاتوری. کمونیسم یعنی استالین و بلوک شرق. حاضر نیستند یک بند از برنامه کمونیستها و یک اسپیلون از تلاش کمونیستها برای آزادی و برابری و رفاه را نام ببرند. اما به مذهب و مذهب اسلام که میرسد گویا همه مفسر قرآن و انجیل هستند. من تاکنون نتوانستم حتی یکی از این مفسرین را قانع کنم که مذهب چرت است. همه از راست تا چپ ایمان دارند که اسلام چیز دیگری است و باید تفسیر شود. کمیته صلح نوبل هم مفسر قرآن شده و اعلام کرده است که آنها به تفسیری از اسلام جایزه می دهند که دمکرات باشد. هیچگاه اشتباهها هم درباره کمونیسم چنین چیزی را مرتکب نمی شوند، چرا که اگر آنها فقط کمی از تبلیغات خود درباره کمونیسم بکاهند، اگر بگویند فلان تفسیر از کمونیسم بد نیست و دموکرات است، با خطر رشد سرسام آور کمونیسم مواجه خواهند شد، کمونیسمی که به سرعت تمامی بورژوازی را احاطه می کند و به عمر آن پایان می دهد. اگر ببینند که کمونیستی که حتی انقلابی مانند انقلاب اکتبر را در دستورش ندارد و بیشتر به اصلاحات در چهارچوب نظام سرمایه داری می پردازد، تفسیر بهتری از کمونیسم است، باز پذیرش این هم باعث رشد کمونیسم و جنبش کارگری میشود. این پذیرش هم بریشان دردسر میآفریند. چون به هر حال جلوی منفعت طلبی و زیاده روی آنها و استثمار شدید آنها میایستد. کمونیسم اصلاح طلب هم برای بورژوازی شر است.

برای همین بورژوازی به هیچ وجه تفسیر دیگری از کمونیسم را قبول نمی کند. مثلا آن همه قوانین و حقوق انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه را که مردم با انقلاب اکتبر، تازه در یک کشور بسیار عقب مانده

به آن دست یافتند را به هیچ وجه ذکر نمی کنند. اگر فقط یک قلم از قوانین آزادیخواهانه در مورد حقوق و آزادیهای زنان و حقوق کودکان و سالمندان که با انقلاب اکتبر به قانون اساسی کشور تبدیل شد را بیطرفانه ذکر کنند، اگر فقط یک قلم از تلاش برای آموزش علم و دانش به جای خرافه را (که این دومی را بورژوازی در سطح وسیع اشاعه میدهد)، یک قلم از تلاش برای رفاه شهروندان و... ذکر کنند، انقلابات نوع اکتبری در جهان بسرعت همه جا را در می‌نوردد.

تمامی جنبش کمونیستی که چیزی جز تلاش برای برابری و آزادی نیست را تحریف می کنند. اما مذهب و مذهب اسلام را که هم نص صریح آن و هم تاریخ آن و هم موجودیت امروز آن، چیزی جز ارتجاع و جنایت علیه بشریت نیست را می‌خواهد تفسیر کند و یا تفسیر دیگه ای از آن را می‌خواهد. با انقلاب اکتبر، کمونیسم به سرعت تمام دنیا را فرا گرفت. چیزی نمانده بود که انقلاب کارگری آلمان و چندین کشور دیگر تسخیر کند. کشوری در جهان نبود که یک حزب قوی کمونیستی در آن شکل نگرفته باشد. کمونیسم در جدال بر سر کسب قدرت در همه جا حضور قوی داشت. علیرغم سرکوبهای وحشیانه رشد آن حیرت انگیز بود. ما امروز برای تغییر جهان و اساسا تغییر ریل جهان و راهی جهان از دست نظم نوین جهانی و فقر و فلاکت نابود کننده که سرمایه داری میآفریند، به یک انقلاب اکتبر دیگر نیاز داریم. راهی به جز این در مقابل بشریت وجود ندارد. ایران در آستانه یک تغییر و دگرگونی جدی قرار دارد. اگر ما بمشابه حزب کمونیست کارگری ایران بتوانیم، این تغییر و دگرگونی را به یک اکتبر دیگر و به یک قدرت گیری طبقه کارگر تبدیل کنیم، کمونیسم به سرعت جهان را در می‌نوردد.

یک دنیای بهتر
را بخوانید!

ادامه

مبانی کمونیسم کارگری

آرمانهائی که او را به این سمت کشانده است، پیش رفته است. بحث کمونیسم کارگری حاصل بیش از سه سال تعمق خود من است راجع به این جنبه از زندگی سیاسی خود و فعالیت سیاسی ای که خود را بخشی از آن میدانم. شاید زیاد باب نباشد که فعالین سیاسی هر لحظه و هر مقطع نگاه کنند که در مسیری که برای تحقق آرمانهایشان در پیش گرفته اند تا چه حد مسیر درستی قرار دارند یا نه؟ آیا این راهی که دارند طی میکنند و این فعالیتی که الان دارند میکنند آنها را به آن سمتی که فکر میکردند میرسد یا نه؟ بخصوص وجود یک حزب سیاسی که فرد عضو آن است، بنظر من این گرایش را بوجود میآورد که آدم سرش را بر بالین حزب بگذارد و بگوید که این کشتی دارد میروند و من هم یکی از سرنشینان یا ملوانانش هستم. ممکن است به یک نفر بشود ارفاق کرد و گفت که عیب ندارد اینطور فکر کن. آسوده بخواب. ولی من فکر میکنم اگر اساسا حزبی وجود دارد بخاطر این است که عده ای کافی وجود دارند که اینطور فکر نمیکند. کسانی هستند که گاه و بیگاه قطب نما را نگاه میکنند که آیا بر مسیر درستی هستند یا خیر. وقتی دهسال گذشته را نگاه میکنم، خود را در اتفاقات مهمی سهم می بینم. ما چه ایران را تغییر دادیم، فکرش را، جهان نگر و پراتیک سیاسی اش را دگرگون کردیم. این البته چند سال طول کشید، و مبارزه گسترده و متنوعی را ایجاد میکرد. از نظر ما این فعالیتها تماما معطوف بود به امر تشکیل حزب کمونیست ایران. از ابتدا میدانستیم و میگفتیم که ما حاصل این تلاشها باید ایجاد حزب کمونیست ایران باشد. این حزب ایجاد شد. اما وقتی این حزب ایجاد شد، صورت

مساله، لااقل برای من که آن را بخشا محصول کار خود میدانستم، ناگزیر میبایست عوض بشود. اکنون میبایست پرسید این حزب دارد کجا میرود؟ بخشی از چه واقعیت سیاسی در ایران است؟ جایگاه اجتماعی اش چیست و چه دورنمایی در مقابلش قرار گرفته است؟ لااقل در سه چهار سال گذشته این سوال برای من مطرح بوده که داریم کجا میرویم. دوره مبارزه ضد پوپولیستی، دوره ای که داشتیم در مقابل چپ خلقی در مقابل سوسیالیسم خرده بورژوازی در ایران جریان جدیدی را پایه میگذاشتیم و رشد میدادیم، میدانستم چکار داریم میکنیم. تمام قدمهایش را میشناختم و به صحت این قدم ها اطمینان داشتم. بعد از تشکیل حزب کمونیست طبعا این سوال مطرح میشود که قدمهای بعدی چیست و آیا این حزب آنطور که باید به این مصافهای جدید پا گذاشته است؟ با تشکیل حزب مجددا در این موقعیت قرار میگیریم که به استراتژی و سیر آتی جنبشی که این حزب بخشی از آن است بیاندیشیم. بیرسیم سهم ما در این جنبش چیست؟ راستش اولین چیزی ای که من را متقاعد کرد که هنوز باید سوالات مهم و جدیدی را پاسخ داد این بود که من کمونیسم را بعنوان یک آرمان کارگری پذیرفته بودم و شش هفت سال از پراتیک فعال خودم بعنوان یک کادر جنبش کمونیستی ایران میگذاشت و عینا میدیدم که پراتیک روزمره من تاثیری در سرنوشت آن نسل کارگری که دارد با من زندگی میکند، هم دوره من است، معاصر من است، ندارد. خوب میشود برای این بی تاثیری تئوری داد. تئوری مراحل داد. مثلا گفت مرحله اول مرحله پاشیدن بذر آگاهی سوسیالیستی است بعد نوبت تشکیل احزاب کمونیست است بعد این احزاب میروند کار

میکند و آن کارگران را میآورند و غیره. من شخصا یک همچون تبیینی از زندگی خودم ندارم و یک همچون تبیینی را هم از کسی قبول نمیکم. سناریوی اینچنینی را قبول نمیکم. شش سال کمونیست متشکل بوده ام و پس از شش سال، بچه دهساله آن روز کارگر شانزده ساله امروز شده است. در این شش سال با آمار دولتی میشود نشان داد چند کارگر مرده اند، در این شش سال میشود با آمار دولتی نشان داد چند نفر قطع شده، در این شش سال میشود نشان داد چه تعداد متولد شدند و زبان باز کرده اند و خرافه های اجتماعی را پذیرفته و تکرار میکنند. در این شش سال میشود نشان داد میلیونها انسان چطور صبح را به شب و امروز را به فردا رسانده اند. در این شش سال میشود دید که پسر حاجی سر کوچه چگونه حزب الهی شد و زندگی میلیونها نفر را سیاه کرد، کشت و به کشتنشان داد، نانشان را برید، مغزشان را پر از خرافه کرد. و تو، تویی که معتقدی پرچمدار تحول انقلابی جامعه زمان خودت هستی، پیشتاز جامعه ای، کسی که تکه ای از آینده است که امروز زندگی میکند، تو حتی نتوانسته ای سروزنی در وضع همین لحظه تاثیر بگذاری.

کمونیسم نادخیل در مبارزه اجتماعی قاعدتا باید آدمی را که فلسفه فعالیتش را تغییر اجتماع قرار داده باشد بفرک بیاندازد. برای خود من اینطور بود. اما از نظر تحلیلی، واقعا احتیاجی به طی کردن این روند برای رسیدن به نقطه نیست. با کمی تعمق میتوان درک کرد که یک جایی نقضی هست. سوالاتی هست که باید پاسخ بگیرد. تشکیل حزب کمونیست نه فقط پاسخ این سوالات نیست، بلکه خود این سوالات را بطور برجسته تری تاکید میکند.

ادامه در شماره بعد

ادامه به مناسبت

سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری



بهرام مدرسی

جنبش آزادیخواهی جوانان به حزب کمونیست کارگری تشکیل شد و بیش از ۴ سال است که در این راه تلاش میکند.

برنامهها در برخورد به این موج روی آوری طبعا این خواهد بود که این موج روی آوری را هرچه بیشتر تقویت کنیم، آنرا حول سازمان جوانان کمونیست متشکل و متحد سازیم، کمونیسم کارگری این جنبش را تقویت کنیم و کلا جنبش جوانان را به یکی از پایههای قدرتگیری حزب کمونیست کارگری در ایران بدل سازیم. این جنبش میتواند سهم بسزایی در به قدرت رسیدن حزب کمونیست کارگری ایفا کند.

در کنگره چهارم

حزب کمونیست کارگری ایران

شرکت کنید

Tel: 00 44(0) 7815 902 237

Fax: 001 2532 703 362

e.mail:

congress_4@yahoo.co.uk

نشریه انقلاب کارگری

را تکثیر و توزیع کنید!

نابود باد سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم

توضیح:

متاسفانه بازخوانی کاپیتال مارکس توسط منصور حکمت که در شماره های قبل درج گردید را نمیتوانیم ادامه دهیم.

نوارهای این سخنرانی ابتدا باید توسط آذر ماجدی مسئول بنیاد منصور حکمت ادیت شود و سپس انتشار یابد. آذر ماجدی قول داده است که این کار را در اسرع وقت انجام دهد. هر چند حجم کار ایشان بسیار زیاد است اما امیدواریم که در شماره های آینده بازخوانی مارکس را پی بگیریم.

تا ادیت شدن بازخوانی کاپیتال مارکس از این شماره مبانی کمونیسم کارگری، سخنرانی منصور حکمت تحت همین عنوان را شروع میکنیم و پی میگیریم. مبانی کمونیسم کارگری بنیادهای فکری و اجتماعی کمونیسم کارگری را توضیح میدهد. شما را به دنبال کردن این سخنرانی بسیار مهم دعوت میکنم. (انقلاب کارگری)



مبانی کمونیسم کارگری سمینار اول کمونیسم کارگری (مارس ۱۹۸۹)

دیدگاه سیاسی و اجتماعی متمایز. دیدگاهی که عواقب و استنتاجات سیاسی و عملی بسیار فراگیر و وسیعی دارد. دیدگاهی که هدف خودش را پیشبرد پراتیکی قرار میدهد که با آن چیزی که امروز بعنوان کمونیسم چه در بیرون حزب کمونیست و چه توسط حزب کمونیست ایران انجام میشود، تفاوت بسیار دارد.

سیر طرح مساله

مبحث کمونیسم کارگری بطور مشخص برای من چگونه طرح شد؟ ما برای این پا به فعالیت سیاسی گذاشته ایم که آدمهایی هستیم با افکار معین و تبیین معینی نسبت به دنیای پیرامون خودمان و تغییری که باید در آن بوجود بیاوریم. انتخاب کمونیسم بعنوان یک روش زندگی و یک مبارزه و یک تئوری و یک ایدئولوژی نیز از همینجا مایه میگردد. در این مبارزه، دستاوردهای معینی بدست آورده ایم. هریک از ما میتواند به تاریخ زندگی سیاسی خودش فکر بکند و بفهمد که به کجا رسیده است و چقدر در جهت آن اهداف و

صفحه ۷

لااقل برای من طرح کرده، من نمیتوانم آن درجه درگیری و توجه کافی در بین شما بوجود بیاورم که آن بحث اثباتی را سر جای خودش قرار بدهید و بعنوان یک بحث نظری و تجربیدی صرف به آن نگاه نکنید. بنابراین بحث من دو بخش عمومی دارد بخش اول راجع به این است که مبحث کمونیسم کارگری به چه چیزی پاسخ میدهد و تحت چه شرایط معینی و در رابطه با چه مشاهدات و تجربیات معینی خودش را مطرح میکند و بخش دوم صحبت من راجع به کمونیسم کارگری بعنوان یک موضوع اثباتی است. امیدوارم که در آخر این جلسه توانسته باشم کاری بکنم که رفقا این را تشخیص بدهند که بحث کمونیسم کارگری فقط شکوه ای درباره "کارگری نبودن حزب کمونیست ایران" و یا "کم بودن کارگران در حزب کمونیست" نیست. فشاری نیست برای "کارگر گزاشی" بیشتر توسط حزب کمونیست ایران. بلکه معرفی و مقدمه ای است به یک

کمونیسم کارگری بدهم. میخواهم لااقل این را روشن کنم که این بحث برسر چیست و چه عرصه ها و مسائلی را در بر میگیرد. این مبحث را از دو زاویه متفاوت میتوان ارائه کرد. اول، آن شکل مشخصی که مساله خودش را برای من طرح کرده. یعنی سیر عملی رسیدن ما به این تبیین ها و مباحثات. و دوم طرح اثباتی این مبحث بعنوان یک سیستم فکر شده با مقدمات و استنتاجات خودش. بعبارت دیگر پرداختن به این دیدگاه نه از زاویه روند شکل گیری اش، بلکه توضیح دادن سیستم نهایی شکل گرفته اش. طبعاً بخش بیشتر صحبتها باید بر روی این دومی، یعنی طرح اثباتی مساله متمرکز شود. یعنی پرداختن به اینکه این بحث چه احکامی را در بر میگیرد و چه مسائلی را میپوشاند و چه ارزیابی ای از واقعیات و روندهای عینی بدست میدهد و غیره. اما فکر میکنم بدون اینکه آن شیوه مشخصی که این مبحث و این تبیین تاریخا خودش را طرح میکند و یا

کمونیسم حرف میزنم. بعلاوه خطاب این بحث فقط به این جلسه نیست بلکه به کل یک جنبش سیاسی و اجتماعی در خارج از این جلسه است. اینرا هم باید اضافه بکنم که این جلسه یک جلسه آموزشی و ترویجی نیست، این شاخه ای از یک مدرسه حزبی نیست. من اینجا این وظیفه را برای خودم قائل نشده ام که در این جلسه به مسائل و معضلات نظری کسی پاسخ بدهم یا مقولات تئوریکی را برای کسی تشریح بکنم. رفقا قطعاً از زوایای مختلفی در این سمینار شرکت کرده اند و حتماً آنرا لازم دانسته اند. ولی امید من اینست که این سمینار و سمینارهای بعدی بتدریج به این سمت برود که در آن یک عده آدم جهت دار، نظردار، له یا علیه این بحثها شرکت میکنند که در این مسائل خودشان را صاحب نظر میدانند و صاحب نظر میکنند. بهر حال انتظار یک سمینار آموزشی و ترویجی را از این جلسات نباید داشت. در این صحبت میخواهم یک تصویر عمومی از مبحث

این سمینار در اسفند ۱۳۶۷ (مارس ۱۹۸۹) در شهر مالمو سوئد با حضور تعداد زیادی از کادرهای حزب کمونیست ایران، که منصور حکمت از موسسین اصلی و عضو رهبری آن بود، برگزار شد. منصور حکمت در آنجا ۱۳۷۰ (۱۱ اکتبر ۱۹۹۱) حزب کمونیست ایران را به منظور تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران ترک نمود. اسناد و مقالات و نوشته های مربوط به این جدایی و تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران در جلد های بعدی مجموعه آثار او منتشر شده است.

مقدمه: اهداف و چهارچوب بحث

رفقا، قبل از هرچیز یک نکته را باید توضیح بدهم. این سمینار امروز در این جمع حزبی برگزار میشود اما لازم است بگویم که من اینجا با شما بعنوان اعضا حزب کمونیست ایران یا اعضای ارگانهای مشخص حزبی با مسائل ارگانی مشخص صحبت نمیکنم. بلکه با شما در ظرفیت افرادی صاحب فکر و آشنا به مساله و دلسوز بحال

آزادی برابری حکومت کارگری